

Validation and reliability evaluation of the author's identity scale

Ali Rezaeisharif¹  | Husein Taqavi²  | Ramin Qaribzadeh³  |
Essmail Afghahi⁴ 

1. Associate Professor, Department of Counselling, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: rezaeisharif@uma.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Education, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: taqavi2004@gmail.com
3. Ph.D. Candidate, Department of Educational Administration, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: gharibzadeh@uma.ac.ir
4. Assistant Professor, Research Center for Culture, Art and Communication, Tehran, Iran. E-mail: cafghahi@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Objective: Adherence to scientific ethics is possible through learning and understanding the norms and internalizing the principles of writing. Something that can be called author identification. Cheung et al. Have developed a scale by understanding the need to explain and measure this concept. The current study was done in order to evaluate and validate the author's identity scale.
Article history: Received: April 5, 2021 Received in revised form: August 11, 2021 Accepted: October 23, 2021	Materials and Methods: The present study was conducted by using a correlational design in which the method of covariance matrix was used for the purpose of confirmatory factor analysis. The population under study consisted of all masters and Ph.D. students of Mohaghegh Ardebili university and a number of 384 people were chosen using the Stratified Random Sampling method.
Keywords: Author identity, Validity, Reliability, Academic writing.	Results: the survey determining the content and construct validity confirmed the validity of the questionnaire. Cronbach's alpha coefficient for the reliability of the author's identity questionnaire was 0.86, and using the half-split method it was calculated to be 0.75. Confirmatory Factor Analysis, similar to the main form, confirmed the three factors of awareness in writing, writer's comprehension and sufficient knowledge to prevent plagiarism. According to the results, we can say that identity questionnaire is a reliable and valid tool to assess the identity of writers and university researchers.
	Originality: This study is the first study to examine the technical characteristics of the scale that can measure the perceptions and attitudes of students and academic researchers about the identification of the authors.

Cite this article: Rezaeisharif, A., Taqavi, H., Qaribzadeh, R. & Afghahi, H. (2021). Validation and reliability evaluation of the author's identity scale. *Academic Librarianship and Information Research*, 55 (3), 56-71. DOI: 10.22059/JLIB.2022.305606.1504



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran

DOI: 10.22059/JLIB.2022.305606.1504

Academic Librarianship and Information Research, Vol. 55, No. 3, 2021, pp. 56-71.

اعتباریابی و رواسازی مقیاس هویت نویسنده

علی رضائی شریف^۱ | حسین تقوی^۲ | رامین غریب زاده^۳ | اسماعیل افقهی^۴

۱. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل. رایانامه: rezaeisharif@uma.ac.ir
۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل. رایانامه: taqavi2004@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل. رایانامه: gharibzadeh@uma.ac.ir
۴. استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران. رایانامه: eafghahi@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۶</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۵/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱</p> <p>واژه‌های کلیدی: هویت نویسنده، اعتبارسنجی، روایی، پایایی، نگارش دانشگاهی.</p>	<p>هدف: تقید به اخلاقیات علمی با یادگیری و درونی سازی نُرْم‌ها، ارزش‌ها و اصول نویسنده‌گی ممکن است. مقوله‌ای که می‌توان آن را تحت عنوان هویت‌یابی نویسنده‌گان مطرح کرد. چگونگی و همکاران با ادراک نیاز به تبیین و سنجش این مقوله، ابزاری را توسعه داده‌اند. پژوهش حاضر با هدف رواسازی و اعتباریابی ابزار مذکور با عنوان مقیاس هویت نویسنده انجام پذیرفت.</p> <p>روش: طرح استفاده شده از نوع همبستگی بود که در آن روش ماتریس کوواریانس با هدف تحلیل عاملی تاییدی به کار گرفته شد. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه محقق اردبیلی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود که تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند.</p> <p>یافته‌ها: نتایج حاصل از آزمون مدل بیانگر هویت نویسنده‌گی و برازش مدل با داده‌ها بود و مدل هویت نویسنده‌گی از طریق آیت‌های ۱۷ گانه که نماینده ابعاد سه‌گانه هستند، تبیین می‌شود که از بین آنها ۸ آیت‌م مربوط به بعد اعتماد نویسنده، ۵ آیت‌م مربوط به بعد ارزش‌قائل شدن برای نوشتن و ۴ آیت‌م مربوط به بعد معرفی خود به عنوان نویسنده است. پایایی مقیاس هویت نویسنده بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و با استفاده از روش دو نیمه کردن، ۰/۷۵ به دست آمد. با توجه به نتایج به دست</p>

آمده می توان گفت که پرسش نامه هویت نویسنده ابزاری قابل اعتماد و روا برای اندازه گیری هویت نویسندگان و پژوهشگران دانشگاهی است. اصالت: این مطالعه نخستین مطالعه در خصوص بررسی خصوصیات فنی مقیاسی است که می تواند ادراک و نگرش های دانشجویان و پژوهشگران دانشگاهی در مورد هویت نویسنده را اندازه گیری کند.

استناد: رضائی شریف، علی؛ تقوی، حسین؛ غریب زاده، رامین، و افقهی، اسماعیل (۱۴۰۰). اعتباریابی و رواسازی مقیاس هویت نویسنده. تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، ۵۵ (۳)، ۷۱-۵۶.

DOI 10.22059/JLIB.2022.305606.1504



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه تهران

۱. مقدمه

علم از طریق تحقیق، بحث و انتشار گسترش می یابد و تحقیقات، مباحثات و انتشارات نیازمند ایجاد اعتماد و احترام هستند که اساس آن بر صداقت علمی استوار شده است. نتیجه این رفتار اخلاقی، علاوه بر گسترش علم، اعتباریابی انتشاردهندگان نیز هست. در چنین شرایطی است که همه می توانند از پیامدهای فردی، اجتماعی و اقتصادی علم بهره مند شوند. رفتارهای نادرست و مشکوک در تحقیقات دانشگاهی، از چند جنبه بر نهاد علم، دانشگاه و خود دانشجویان، به ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی که پژوهشگران آینده هستند، تأثیر منفی می گذارد (گالدوین، ۲۰۱۸): اول. تحقیقات غیراخلاقی بر فرهنگ علمی تأثیر منفی می گذارد و در نهایت، کیفیت ادبیات علمی را تضعیف می کند و دانشجویان با تأثیرپذیری از این فرهنگ چیزهایی یاد می گیرند که نادرست و حتی غیراخلاقی هستند. دوم. بسیاری از دانشجویان رفتارهای غیراخلاقی مرتبط با تحقیق را مشاهده می کنند و یاد می گیرند که چنین رفتاری حداقل با موفقیت در دانشگاه مغایرتی ندارد و حتی ممکن است آن رفتارها برای موفقیت ضروری قلمداد کنند.

از نظر اینجی^۱ (۲۰۱۵) انحراف حاصل از عدم رعایت اصول تحقیق و انتشار نه تنها حق و حقوق ذی نفعان و مشارکت کنندگان بلکه می تواند یک حوزه خاص علمی را منحرف کند؛ چراکه باعث می شود، پژوهشگران در مسیرهای اشتباه هدایت شده و فرضیات خود را بر اساسی نادرست بنا نهند. از

1. Gladwin

2. Inci

طرف دیگر، عدول از قوانین و اصول تحقیق و تألیف امری یک بار برای همیشه نیست، بلکه توأم با وسوسه در جهت تکرار است.

به دلایلی نظیر آنچه ذکر شد، داشتن صلاحیت لازم در طراحی و اجرای تحقیق، صداقت علمی، رعایت قوانین، صراحت و شفافیت در همه مراحل انجام و انتشار، احترام به کار کسانی که در مورد یک موضوع تحقیق کرده‌اند یا در حال انجام تحقیق هستند، مشهود ساختن مشارکت همه شرکت‌کنندگان در تحقیق و روشن‌سازی تمام و کمال توزیع فعالیت‌ها و حقوق نویسندگان، امانت‌داری، عدالت و اصولی نظیر اینها تحت عنوان اصول اخلاقی پژوهشگران و نویسندگان علمی مطرح شده‌اند (شوان و کترب؛ ۲۰۱۰).

عدم تقید به اخلاقیات علمی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. تحقیقات (برای مثال: زمانی، عظیمی و سلیمانی، ۱۳۹۲) نشان می‌دهند که «مدرک‌گرایی و توجه زیاد به نمره» و «نبود احساس خودکارآمدی در انجام پژوهش و نوشتن گزارش» از مهمترین دلایل سوءرفتار علمی در جامعه دانشجویان داخلی بوده است. در پژوهش دیگری، جعفری ثانی و فراست (۲۰۱۳)، نشان می‌دهند که دانشجویان متأثر از دو طبقه عوامل «بافتی» و «فردی» اخلاقیات علمی را بی‌اهمیت در نظر می‌گیرند. بنابر مطالعه آنها، عوامل فردی شامل «عدم تلاش و راحت‌طلبی یادگیرنده»، «فقدان دانش و مهارت» و «نیاز به نمره» می‌شود و عواملی چون «انتظارات بیش‌ازحد اساتید»، «فشرده بودن زمان انجام تکالیف»، «عدم رسیدگی و توجه اساتید» و «ادراک دانشجو و الگو قرار دادن رفتار تقلب دانشجویان دیگر» در زیرمجموعه‌ی عوامل بافتی قرار می‌گیرند.

در کنار عواملی که خارج از کنترل پژوهشگران و دانشجویان به عنوان یک فرد هست، جلوگیری از انحراف در تألیفات علمی، نیازمند اطمینان از دو موضوع مهم است؛ یکی اطمینان از اینکه جمع‌آوری داده‌ها دقیق بوده و روش جمع‌آوری آنها به وضوح و به دقت تمام شرح داده شده است؛ دوم برخورد مسئولانه با داده‌ها حین تحقیق و بعد از انتشار نتایج آن است (دئورا؛ ۲۰۲۰)؛ در این زمینه دئورا (۲۰۲۰) متذکر می‌شود که حتی در بهترین شرایط، ماهرترین پژوهشگران نیز می‌توانند اشتباه کنند. برای مثال، کار خود را متکی به تئوری یا فرضیه‌ای کنند که هنوز جای کار داشته است؛ در صورتی که اشتباهی بعد از انتشار نتایج آشکار شد، پژوهشگر باید به نحوی (مثلاً ارسال یادداشت به نشریه و اقرار به اشتباه) به تصحیح آن اقدام کند. خطا امری انسانی است؛ اما پژوهشگر نباید دچار سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی و بی‌توجهی شود. بنا به نظر اینجی (۲۰۱۵) ارزش‌های تحصیلی، علمی و اخلاقی با هم یک کل معنادار

1. Shewana & Coatsab

2. Deora

را شکل می‌دهند که عدول از یکی کار علمی را عقیم می‌کند؛ برای مثال حتی اگر مطالعه‌ای از نظر علمی صحیح باشد، اگر اصول اخلاقی را نقض کند، نتایج آن علمی نیست. با وجود آنکه جلوگیری از نقض اصول اخلاقی نویسنده‌گی از طریق نظارت بر گردش کار پژوهشی و مجازات سوءرفتارهای نویسنده‌گی^۱ می‌تواند اثربخش باشد، به ویژه زمانی که این مسئله به صورت عمدی و آگاهانه صورت می‌پذیرد (خضر و موهان، ۲۰۲۲)، دوری از انحرافات این‌چنینی در بهترین حالت از طریق یادگیری و درک نرم‌ها، ارزش‌ها و اصول نویسنده‌گی، عمل به آنها و جلوگیری از نقض صریح آنها ممکن است. چیزی که می‌توان آن را تحت عنوان هویت‌یابی نویسنده‌گان مطرح کرد. هویت نویسنده‌گان^۳ احساسی است که نویسنده‌گان از خود به عنوان نویسنده دارند. این هویت، در چارچوب دانشگاهی، نه تنها محتوای اخلاقیاتی که باید رعایت شود را منتقل می‌کند، بلکه حسی از «رویکرد» متمایز نویسنده را نیز ارائه می‌دهد و باعث می‌شود نویسنده خود را به عنوان شخص منحصر به فرد که دارای ایده، سبک و طرز خاص خود است، ببیند (کیندر و الندر^۴، ۲۰۱۲ و پیتام، الندر، لوشر، فاکس و پین^۵، ۲۰۰۹).

مطالعه حاضر بر هویت نویسنده‌گی دانشجویان تحصیلات تکمیلی متمرکز شده است. دانشجویان تحصیلات تکمیلی عموماً برای بر عهده گرفتن مسئولیت‌های تخصصی، آموزشی و پژوهشی آماده می‌شوند؛ ایفای چنین نقش‌هایی، در کنار صلاحیت‌هایی چون خبرگی در دانش بنیادین و هسته‌ای، نیازمند داشتن مهارت در انجام و مدیریت تحقیقات و تولید دانش تخصصی، برقراری ارتباطات علمی، مهارت‌های نوشتاری و انتشاراتی، و تسهیل ترجمه و انتقال دانش به مسائل عملی است (موسسه مطالعات تحصیلات تکمیلی کانادا^۶، ۲۰۰۸؛ بنیاد کارنگی^۷، ۲۰۱۰؛ پلگرینو و هیلتون^۸، ۲۰۱۲). در مطالعات متعدد مهمترین دلیل نشان دادن سوءرفتارهای پژوهشی و انتشارات علمی دانشجویان، فقدان توسعه این مهارت‌ها ذکر شده است. در یکی مطالعات متقدم استابینگ و برین^۹ (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که سوءرفتارهای علمی دانشجویان عمدتاً در ابتدای دوران دانشجویی و به شکل ناآگاهانه شروع می‌شود.

1. Authorship misconduct
2. Khezr & Mohan
3. Authorship identity
4. Kinder & Elander
5. Pittam, Elander, Lusher, Fox & Payne
6. Canadian Association for Graduate Studies
7. Carnegie Foundation
8. Pellegrino & Hilton
9. Stubbings & Brine

دانشجویان نقصان مهارت‌ها را با توسل به راه‌های میانبر جبران می‌کنند. در صورتی که دانشجویان در این زمینه آموزش نبینند، احتمال ادامه رفتار خلاف موازین علمی بیشتر خواهد بود. توسعه هویت نویسندگی از طریق آموزش و هر روش دیگری (مانند شبکه‌سازی، منتورینگ، مطالعات فردی و ...) باعث می‌شود، دانشجویان نقش نویسندگی را بهتر درک کنند و نقش تألیفی بیشتری در تولید تکالیف دانشگاهی خود داشته باشند (چئونگ، استاپل و الندر، ۲۰۱۵). از طرف دیگر، تقید به اخلاقیات علمی را افزایش و سوءرفتاری‌هایی نظیر سرقت ادبی را کاهش می‌دهد (بولنتین، گو و لارس، ۲۰۱۳؛ کیندر و الندر، ۲۰۱۲، جمشیدی، ۲۰۱۹).

هر نوع یادگیری در مرحله اول نیازمند آن است که آنچه باید کسب شود، اندازه گرفته شود. اندازه‌گیری از طرفی امکان تأمل در وضعیت کنونی را به ما می‌دهد. از طرف دیگر، شرایطی ایجاد می‌کند که بتوان به واسطه آن مشاهداتی از وضعیت موجود انجام داد، نقاط قابل توسعه را شناسایی کرد و هر نوع توسعه‌ای را پیگیری کرد. در زمینه نویسندگی و درونی‌سازی اخلاقیات وابسته به آن نیز این‌گونه است. شناسایی و مداخله در این زمینه نیز نیازمند مدل‌سازی از عوامل شکل‌دهنده هویت نویسندگی و تدوین ابزارهایی در جهت کمی‌سازی آن است. در این زمینه مقیاس‌هایی توسط پیتام و همکاران (۲۰۰۹)، چئونگ و همکاران (۲۰۱۵) و دیگر پژوهشگران توسعه داده شده است. مقیاس پیتام و همکاران (۲۰۰۹) که تحت عنوان پرسشنامه تألیف دانشجویی شناخته می‌شود، حاوی ۱۸ ماده است، بر مبنای مدلی طراحی شده که شش عامل را در دودسته شناسایی کرده است؛ سه عامل معرف مؤلفه‌های هویت نویسنده یعنی «اطمینان در نوشتن»، «درک نویسندگی» و «دانش جلوگیری از سرقت ادبی» و سه عامل معرف رویکردهای نوشتن یعنی «از بالا به پایین»، «از پایین به بالا» و «عملگرایانه» است. همان‌گونه که چئونگ و همکاران عنوان کرده‌اند، این مدل و ابزار طراحی شده برای سنجش آن دارای محدودیت‌های روان‌سنجی قابل توجه از ناحیه اعتبار محتوایی و عاملی است. به دلیل اینکه آیت‌ها به شکل نظام‌مند تولید نشده‌اند، اعتبار محتوایی آن دارای محدودیت است؛ سه رویکرد (از بالا به پایین، پایین به بالا و عمل‌گرا) که آنها در مقیاس جای داده‌اند، نمی‌توانند جنبه‌ای از هویت نویسنده باشند.

1. Cheung, Stupple and Elander
2. Ballantine, Guo & Larres
3. Students' Authorship Questionnaire (SAQ)
4. Confidence in writing
5. Understanding authorship
6. Knowledge to avoid plagiarism
7. Top-down
8. Bottom-up
9. Pragmatic

همچنین به دلیل اینکه برخی مواد روی چند عامل بار شده‌اند، اعتبار ساختار عاملی شش‌گانه نمی‌تواند مطلوب در نظر گرفته شود. مسئله دیگر در این مقیاس، سازگاری درونی ضعیف آن است. پیتام و همکاران مقادیر حاصل شده از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس‌ها ضعیف تا متوسط گزارش داده و از طرف دیگر، ارقام برخی از زیرمقیاس‌ها را اساساً اعلام نکرده‌اند. علی‌رغم اینکه بعداً در مطالعات دیگری (مانند بولنتین و همکاران، ۲۰۱۳) تحلیل عاملی مجددی بر روی این مقیاس انجام گرفت و با تعدیل ۶ ماده خصوصیات روان‌سنجی آن بهبود پیدا کرد، مشکلات مربوط به تولید آیتام و اعتبار محتوایی آن هنوز باقیمانده است.

چئونگ و همکاران (۲۰۱۵) با ادراک نیاز به ابزاری که دارای ماده‌های همگن‌تر و روا باشند، مقیاسی را توسعه داده‌اند. آنها با بررسی ادبیات نویسندگی و همچنین مدل‌های ارائه شده در این زمینه، که شامل مدل پیتام و همکاران نیز می‌شد، مدلی سه‌بعدی از هویت نویسندگی ارائه می‌دهد. در مدل سه‌عاملی آنها، بعد نخست به عنوان «اعتماد نویسنده» نام‌گذاری شده است و اشاره به اعتماد نویسنده به خود در سبک و هدف نویسندگی دارد؛ ایده پردازی، فرموله کردن ایده‌ها در قالب نوشته‌ها و اتخاذ رویکرد خاص خود در سبک نویسندگی نمودهایی از بعد اول هستند. بعد دوم «ارزش قائل شدن برای نوشتن» نام‌گذاری شده است. اینکه فرد نوشتن را جزئی از فعالیت علمی و دانشگاهی بداند، و نویسندگی را به عنوان یک شایستگی در نظر گرفته و برای کسب آن اهمیت قائل باشد. بعد سوم «معرفی خود به عنوان نویسنده» است. این بعد اشاره به این دارد که فرد تاچه حدی خود را به عنوان نویسنده می‌بیند، مسئولیت آن را می‌پذیرد و نویسنده بودن را افتخار می‌داند. او بر مبنای این مدل مجموعه‌ای ۴۷ ماده‌ای را تنظیم، و با بررسی روایی محتوایی، آنها را به ۱۷ ماده کاهش می‌دهد و بعداً بر نمونه بزرگی از دانشجویان دانشگاه اجراء و خصوصیات فنی آن را ارزیابی می‌کند. این مقیاس می‌تواند به راحتی برای تحقیق و ارزیابی بیشتر در توسعه نویسندگان حرفه‌ای به کار گرفته شود. بنابراین به منظور ایجاد زمینه‌ای جهت مطالعه بیشتر هویت نویسندگی و مداخله در جهت تسهیل شکل‌گیری آن در دانشجویان و عواملان دیگر پژوهشی کشور، اعتباریابی این ابزار به عنوان هدف مطالعه حاضر تعیین شد.

۲. روش‌شناسی

1. Authorial confidence
2. Valuing writing
3. Identification with author

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه هویت نویسنده بود، طرح توصیفی از نوع تحلیل عاملی به کار گرفته شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه محقق اردبیلی به تعداد ۳۳۳۵ نفر بود. با توجه به این که جامعه مورد مطالعه از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی تشکیل شده بود، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای بر اساس مقطع تحصیلی استفاده شد. در نمونه‌گیری طبقه‌ای واحدهای جامعه مورد مطالعه در طبقه‌هایی که از نظر صفت همگن هستند، گروه‌بندی می‌شوند تا تغییرات آنها در درون گروه‌ها کمتر شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۳). با توجه به روش تعیین حجم نمونه در پژوهش‌های غیرآزمایشی، تعداد نمونه مورد نیاز با استفاده از فرمول بازرگان ۳۸۴ محاسبه شد که سهم دانشجویان کارشناسی ارشد ۳۰۸ نفر (۸۰/۲ درصد) و دانشجویان دکتری ۷۶ (۱۹/۸ درصد) بود.

در پژوهش حاضر از مقیاس نگرش‌ها و اعتقادات دانشجویان به نویسندگی و به‌اختصار هویت نویسنده (SABAS) به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده می‌شود. این ابزار شامل ۱۷ ماده و توسط چئونگ و همکاران (۲۰۱۵) توسعه داده شده است.

چئونگ و همکاران ابتدا با به‌کارگیری روش گروه کانونی مصاحبه‌هایی با متخصصان بین‌رشته‌ای (۱۳ نفر) و دانشجویان تحصیلات تکمیلی (۱۴ نفر) ترتیب دادند. بعد از آن مطالعه‌ای بر روی ادبیات و ابزارهای مرتبط با اصول اخلاقی نویسندگی انجام داده و روی هم‌رفته ۱۰۶ کد را در این زمینه شناسایی کردند که ماده‌های اولیه مقیاس آنها شکل می‌داد. بعد از تولید ماده‌ها و سؤالات، آنها را تبدیل به یک سیاهه واری کرده کردند که از طریق جواب‌های بلی و خیر قابل بررسی بود. به این ترتیب که در مورد هر کدام از مواد مقیاس سؤالی مبنی بر اینکه آیا ارزیاب موافق یا مخالف آن است، طرح کرده بودند. آنها بعد از اخذ پاسخ‌ها هر کدام از ماده‌ها را بازنویسی کرده‌اند. سپس ماده در اختیار گروه ۱۵ کارشناس خبره در موضوع قرار دادند. این گروه هر ماده را بر اساس طیفی ۱۰ درجه‌ای ارزیابی نمودند. توسعه‌دهندگان با جمع‌بندی نمرات ارزیابان، ماده‌هایی که میانگین امتیاز آنها بیشتر از ۷ بود را انتخاب (۴۷ ماده) و بقیه را حذف کردند. روش نمره‌گذاری مقیاس نیز سازگار با طیف لیکرت بود. به این ترتیب که پاسخگویان باید میزان موافقت خود را با هر کدام از ماده مطابق طیفی از «کاملاً مخالفم» (۱)، «مخالفم» (۲) «کمی مخالفم» (۳)، «کمی موافقم» (۴)، «موافقم» (۵) و «کاملاً موافقم» (۶) مشخص می‌کردند.

آنها برای بررسی اعتبار مقیاس یک مطالعه دو مرحله‌ای بر روی ۷۶۹ نفر از دانشجویان با استفاده از روش تحلیل عاملی، ترتیب دادند. بعد از حذف ماده‌هایی که ضرایب همبستگی آنها کمتر از ۰/۴۰ بود، ۳۳ ماده باقی ماند. تحلیل نهایی آنها نشان داد که از بین مواد سی‌وسه گانه، ۱۷ مورد شکل‌دهنده مدلی با ساختاری پایدار و بدون بارگذاری متقاطع هستند. بررسی آیت‌ها و بارهای عاملی نشان داد که عامل اول مربوط به اعتماد به خود در نویسندگی، عامل دوم مرتبط با اهمیت دادن به نوشتن و عامل سوم مربوط به معرفی خود به عنوان نویسنده بود (جدول ۱).

جدول ۱. ضرایب حاصل شده در مطالعه چنوتنگ و همکاران

ردیف	ماده	اعتماد نویسنده	ارزش قائل شدن برای نوشتن	معرفی خود به عنوان نویسنده
۱	من سبک خودم را در نوشتن دانشگاهی دارم.	۰/۴۷	-	-
۳	زمانی که می‌نویسم می‌توانم ایده‌هایم را مستند کنم.	۰/۷۰	-	-
۴	آنچه من نوشته‌ام اعتماد من نسبت به مجموعه خواننده‌ها را منتقل می‌کند.	۰/۵۳	-	-
۹	در حالی که می‌نویسم، ایده‌هایی را تولید می‌کنم.	۰/۴۶	-	-
۱۱	در نوشتن رویکرد خاص خودم را دارم.	۰/۶۷	-	-
۱۲	هنگام نوشتن تکالیف احساس می‌کنم بر اوضاع کنترل دارم.	۰/۷۳	-	-
۱۳	توانایی تنظیم و فرموله کردن ایده‌هایم را در نوشتن دارم.	۰/۷۶	-	-
۱۴	نوشتن علمی و دانشگاهی به من اجازه ابراز ایده‌هایم را می‌دهد.	۰/۵۷	-	-
۲	توانایی نوشتن به وضوح بخش مهمی از تحصیلات تکمیلی است.	-	۰/۶۰	-
۵	برایم مهم است که مقالاتم به خوبی نوشته شود.	-	۰/۵۵	-
۸	نوشتن علمی و دانشگاهی مهارت مهمی است.	-	۰/۶۹	-
۱۶	توانایی برای نوشتن دانشگاهی برایم مهم است.	-	۰/۸۴	-
۱۷	مهم است که به عنوان نویسنده دانشگاهی دائماً در حال توسعه و صلاحیت‌یابی باشم.	-	۰/۷۸	-
۶	احساس می‌کنم نویسنده تکالیفم هستم.	-	-	۰/۷۲
۷	خودم را به عنوان یک نویسنده می‌دانم.	-	-	۰/۴۶
۱۰	خودم را مالک و مسئول آثارم می‌دانم.	-	-	۰/۴۸
۱۵	خودم را نویسنده کار دانشگاهی‌ام می‌دانم.	-	-	۰/۸۹

آنها همچنین برای ارزیابی پایایی، پرسشنامه را (با فاصله دو هفته‌ای از اجرای اصلی) بر روی ۱۳۵ نفر از دانشجویان اجراء کردند. نتایج نشان داده که ضریب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های اعتماد نویسنده، ارزش قائل شدن برای نوشتن و معرفی خود به عنوان نویسنده به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ حاصل شده است که گویای قابلیت اطمینان بالای پرسشنامه بود.

در پژوهش حاضر ابزار فوق ابتدا از انگلیسی به فارسی ترجمه و بعد از برگردان مجدد به انگلیسی و اطمینان از تطابق نسخه ترجمه‌شده با نسخه اصلی، ویراستاری شد. بعد از آن در اختیار گروهی سه نفره از همکاران متخصص قرار داده شد و از آنها خواسته شد میزان روشنی و اهمیت هر کدام از ماده‌ها را ارزیابی کنند. نظرات ارائه شده حاکی از محتوای مناسب پرسشنامه بود. بعد از اطمینان از محتوا، نسخه نهایی در بین دانشجویان توزیع و داده‌ها جمع‌آوری شدند.

۳. یافته‌ها

بعد از توصیف زیر مقیاس‌ها (جدول ۲) به منظور تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل عاملی تأییدی، همبستگی و آزمون t استفاده شد. روش تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی روایی سازه مشترک جامعه دانشجویان اردبیلی با جامعه اصلی پرسشنامه محاسبه گردید. جهت به دست آوردن روایی همگرا از همبستگی استفاده شد.

جدول ۲. آمار توصیفی مقیاس هویت نویسنده و خرده مقیاس‌های آن

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
هویت نویسنده	۴۵/۹۴	۸/۲۳
اعتماد نویسنده	۱۳/۵۳	۲/۳۲
ارزش قائل شدن برای نوشتن	۱۶/۷۴	۳/۸۶
معرفی خود به عنوان نویسنده	۱۵/۶۷	۲/۴۹

میانگین و انحراف معیار در خرده مقیاس‌های اعتماد نویسنده، ارزش قائل شدن برای نوشتن و معرفی خود به عنوان نویسنده به ترتیب برابر با $۱۳/۵۳ \pm ۲/۳۲$ ، $۱۶/۷۴ \pm ۳/۸۶$ و $۱۵/۶۷ \pm ۲/۴۹$ به دست آمد. همچنین میانگین و انحراف معیار نمره کلی پرسشنامه $۴۵/۹۴ \pm ۸/۲۳$ به دست آمد. جهت بررسی روایی سازه و میزان انسجام درونی پرسش‌نامه هویت نویسنده با خرده مقیاس‌های آن، ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌ها و نمره کل مورد محاسبه قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳. ماتریس همبستگی نمره کلی هویت نویسنده و خرده مقیاس‌های آن

متغیرها	هویت نویسنده	اعتماد	ارزش قائل شدن	معرفی خود به
هویت نویسنده	۱			
اعتماد نویسنده	۰/۶۰۹	۱		
ارزش قائل شدن برای نوشتن	۰/۷۴۹	۰/۴۱۹	۱	
معرفی خود به عنوان نویسنده	۰/۶۳۵	۰/۷۴۲	۰/۵۹۸	۱

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود تمام خرده مقیاس‌ها با نمره کلی هویت نویسنده رابطه معناداری دارند. همچنین خرده مقیاس‌ها نیز دو به دو رابطه معناداری با یکدیگر دارند. در مجموع الگوی ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌ها در جدول ۲ نشان می‌دهد که روابط درونی خوبی بین خرده مقیاس‌ها وجود دارد. به منظور بررسی اینکه آیا ساختار سه عاملی پرسش‌نامه هویت نویسنده در جامعه دانشجویان برازش دارد یا خیر، از روش تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار LISREL 8.8 استفاده شد. برازندگی الگو و نتایج آن در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. خلاصه شاخص‌های نیکویی برازش پرسشنامه هویت نویسنده

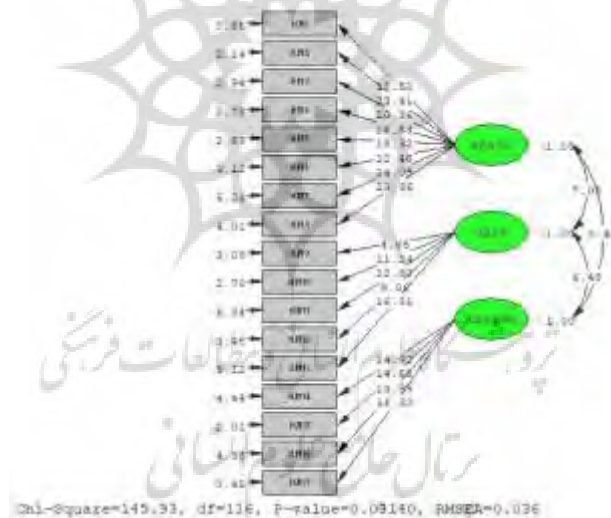
شاخص	X ²	df	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
پژوهش حاضر	۳۰۹/۸۵	۱۹۸	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۰۳۸
حد قابل پذیرش	معنی‌دار نباشد	-	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۸۰	کمتر از ۰/۰۸

در جدول ۵ نتایج بارهای عاملی تحلیل عاملی تأییدی ارائه شده است. ماتریس بارهای عاملی موجود در جدول ۵ نشان می‌دهد که تمام بارهای عاملی استخراج شده نزدیک و بالاتر از ۰/۳ هستند و توزیع ماده‌ها در خرده مقیاس‌ها با آزمون اصلی مطابقت دارد.

جدول ۵. مقادیر استاندارد شده لامبدا y و معناداری آنها در الگوی اندازه‌گیری هویت نویسنده

ردیف	اعتماد نویسنده	ارزش قائل شدن	معرفی خود به
۱	۰/۳۵ (۱۸/۵۲)	-	عنوان نویسنده
۳	۰/۶۰ (۲۳/۴۱)	-	-
۴	۰/۳۸ (۲۰/۳۶)	-	-
۹	۰/۵۲ (۱۶/۵۳)	-	-
۱۱	۰/۲۸ (۱۵/۳۲)	-	-

ردیف	اعتماد نویسنده	ارزش قائل شدن برای نوشتن	معرفی خود به عنوان نویسنده
۱۲	۰/۵۲ (۲۲/۴۸)	-	-
۱۳	۰/۲۶ (۲۴/۰۹)	-	-
۱۴	۰/۳۶ (۲۹/۳۶)	-	-
۲	-	۰/۵۹ (۴/۶۵)	-
۵	-	۰/۵۶ (۱۱/۲۴)	-
۸	-	۰/۴۴ (۱۲/۵۰)	-
۱۶	-	۰/۲۳ (۹/۰۶)	-
۱۷	-	۰/۴۰ (۱۶/۸۱)	-
۶	-	-	۰/۴۴ (۱۴/۹۲)
۷	-	-	۰/۳۴ (۱۴/۵۸)
۱۰	-	-	۰/۲۹ (۱۳/۹۹)
۱۵	-	-	۰/۴۵ (۱۶/۳۲)



نمودار ۲. نمودار مسیر برآورده شده در حالت معناداری

آزمون معناداری «تی» نشان می‌دهد که تمامی ضرایب مسیر با بارهای عاملی به دست آمده معنادار هستند. بالاترین λY «اعتماد نویسنده» به سمت سؤال ۳، $(0/60)$ و کوچک‌ترین λY «اعتماد نویسنده» به سمت سؤال ۱۱، $(0/26)$ است. بالاترین λY «ارزش قائل شدن برای نوشتن» به سمت سؤال ۲،

(۰/۵۹) و کوچک‌ترین KY «ارزش قائل شدن برای نوشتن» به سمت سؤال ۱۶، (۰/۲۳) است. بالاترین KY «معرفی خود به عنوان نویسنده» به سمت سؤال ۱۵، (۰/۴۵) و کوچک‌ترین KY «معرفی خود به عنوان نویسنده» به سمت سؤال ۱۰، (۰/۲۹) است.

در فرایند بررسی قابلیت اطمینان پرسشنامه از روش همسانی درونی و روش تنصیف (دو نیمه کردن) استفاده شد که نتایج آنها در ادامه و در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه هویت نویسنده و مؤلفه‌های آن

متغیر	آلفای کرونباخ
هویت نویسنده	۰/۸۶
اعتماد نویسنده	۰/۷۹
ارزش قائل شدن برای نوشتن	۰/۸۰
معرفی خود به عنوان نویسنده	۰/۸۳

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۵، ضرایب آلفای پرسشنامه هویت نویسنده برای کل آزمودنی ۰/۸۶ و همچنین برای خرده مقیاس‌های اعتماد نویسنده، ارزش قائل شدن برای نوشتن و معرفی خود به عنوان نویسنده به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۳ هست. در مجموع نتایج جدول مذکور نشان می‌دهد که ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده برای تمام خرده مقیاس‌ها مطلوب هستند. ضریب اعتبار کل آزمون به روش اسپیرمن-براون نیز ۰/۷۵ به دست آمد که ضریب اعتبار مناسبی است.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت سنجش مؤلفه‌های هویت نویسنده در تربیت پژوهشگران و نویسندگانی که تابع اخلاقیات حرفه‌ای پژوهشی و مشخصاً نویسندگی علمی باشند، در تحقیق حاضر، ضمن معرفی پرسشنامه هویت نویسنده (SABAS)، ویژگی‌های روان‌سنجی آن مورد بررسی قرار گرفت. روایی محتوایی این مقیاس، توسط چند تن از همکاران و متخصصان موضوع تأیید شد. همچنین جهت بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی استفاده شده که نتایج نشان داد ۱۷ ماده مقیاس، دارای بار عاملی بالا با سه مؤلفه اعتماد نویسنده، ارزش قائل شدن برای نوشتن و معرفی خود به عنوان نویسنده بوده است. به‌طور کلی مدل هویت نویسنده از طریق آیتم‌های ۱۷ گانه که نماینده ابعاد سه‌گانه هستند، تبیین می‌شود که از بین آنها ۸ آیتم مربوط به بعد اول، ۵ آیتم مربوط به بعد دوم و ۴ آیتم مربوط به بعد سوم است. این نتایج مؤید تعریف چئونگ و همکاران (۲۰۱۵) از هویت نویسنده و مدل

سه‌بعدی آنها بوده است. همچنین ضرایب آلفای کروناخ و اجرای بازآزمایی بیانگر پایایی مناسب و هماهنگی درونی مقیاس بود.

تأیید اعتبار و قابلیت اطمینان پرسشنامه بررسی شده که کوتاه‌تر از ابزارهای مشابه (مانند پیتام و همکاران، ۲۰۰۹) بود، نشان می‌دهد که این ابزار از یک طرف، دارای بنیان نظری قوی و قابلیت اطمینان بالا و از طرف دیگر، دارای سهولت در استفاده است. تأیید مدل بررسی شده نشان می‌دهد که توسعه اخلاقی نویسندگان با اعتماد آنها به خودشان، توسعه سبک خاص خود در نویسندگی و افتخار به نویسنده بودنشان همراه است. همان‌گونه که جمشیدی (۲۰۱۹) و همچنین پیتام و همکاران (۲۰۰۹) نیز تأیید کرده‌اند، زمانی که مؤلفان رویکرد خاص خودشان را داشته باشند و هویت خودشان را به عنوان نویسنده به نمایش بگذارند، شرایطی برای توسعه تنوع سبک در انتشار علمی فراهم کرده و از طرف دیگر، به خودآگاهی رسیده و رفتارهای آگاهانه‌تری را در پیش می‌گیرند که در نهایت، اجتناب از سوءرفتارهای نویسندگی را در پی خواهد داشت. باین وجود هویت‌یابی نویسندگان به نحوی که تابع اخلاقیات علم و انتشار باشند، به تنهایی تضمین‌کننده توسعه سالم علم نخواهد بود. علاوه بر پژوهشگران و نویسندگان، مسئولیت انطباق آثار علمی با اصول اخلاقی به عهده گروه‌هایی چون ویراستاران، هیئت تحریریه، ناظران و داوران، نهادها و افراد حامی، سیاست‌گذاران و مدیران علمی نیز هست (اینجی، ۲۰۱۵). حسین پور، باقری‌نویسی و افضلی شهری (۱۳۹۶) نشان می‌دهند که علاوه بر عاملان و ذی‌نفعان پژوهش، عوامل ساختاری و زمینه‌ای دیگری نیز در بروز سوءرفتارهای نویسندگی دخیل هستند. فقدان آموزش اصولی و فرهنگ‌سازی مناسب از سطوح پایه، رواج فرهنگ تبلی و تقلب و فقدان نظارت کافی از عمده دلایل رواج برخی سوءرفتارها بوده‌اند که هر کدام از موارد پیش‌گفته نیازمند بررسی‌های جداگانه‌ای هستند، که ابزار تأیید شده می‌تواند وسیله سنجش مناسبی در آن بررسی‌ها باشد.

با وجود تأیید مقیاس بررسی شده، توجه به چندین محدودیت در این مطالعه ضروری است. مطالعه حاضر، در یک دانشگاه و بر روی دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری اجراء شد. علاوه بر محدودیت در قابلیت تعمیم نتایج به گروه‌های دانشجویی دیگر (برای مثال دانشجویان حوزه پزشکی، قضاوت و ...)، داده‌های دو مقطع از هم تفکیک نشده و تفاوت دو گروه در نظر گرفته نشده است. با توجه به استلزامات آموزشی و پژوهشی دو مقطع، حجم و کیفیت مورد انتظار از نویسندگی علمی این دو گروه یکسان نبوده و سطح درگیری آنها با این مقوله تفاوت قابل توجهی دارد. بنابراین،

ممکن است مقادیر حاصل شده در مطالعه حاضر، تحت تأثیر تفاوت دو گروه به لحاظ انتظاراتی که دانشگاه و اساتید از آنها دارند. همچنین کمیت و کیفیت تجارب و فرصت‌های در دسترس آنها قرار گرفته باشد. همچنین در این مطالعه برای به دست آوردن داده‌های دقیق و جلوگیری از زیاد شدن سؤالاتی که مشارکت‌کنندگان باید پاسخ می‌دادند، تنها از یک ابزار جهت گردآوری داده‌ها استفاده شد. بنابراین، امکان بررسی اعتبار ملاکی و انواع آن وجود نداشت. بر این اساس نیاز به مطالعاتی وجود دارد که این اعتبار مقیاس را در بین دانشجویان دو مقطع به شکل جداگانه و به نحوی که شامل اعتبار پیش‌بینی و ملاک باشد، بررسی کند.

علاوه بر کاربردی که مقیاس بررسی شده می‌تواند در تحقیقات آتی داشته باشد، این مقیاس در درجه اول دانشجویان را قادر می‌سازد تا احساسات و افکار خود را نسبت به نویسندگی، چه در حال حاضر و چه در آینده، ارزیابی کنند. از طرف دیگر، اگر قرار بر انجام مداخلاتی برای توسعه صلاحیت‌های نویسندگی و هویت‌یابی موفق دانشجویان از طرف اشخاص ثالث و نهادهای مسئول باشد، داده‌های حاصل از کاربرد این مقیاس می‌تواند مبنایی برای اولویت‌بندی نیازهای توسعه‌ای دانشجویان و ارائه بازخورد به آنها توسط اساتید و مؤسسات متبوعشان فراهم آورد.

۵. منابع

- باقریان‌فر، مصطفی؛ سیادت، علی، و لهرابی، یعقوب (۱۳۹۷). تبیین مؤلفه‌های هویت اجتماعی دانشجویان بر اساس استفاده از برنامه‌های پیام‌رسان موبایلی (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹(۴)، ۷۹-۹۸.
- جعفری‌ثانی، حسین، و فراست، مریم (۱۳۹۲). بررسی علل سرقت علمی سایبری در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد. *اولین کنگره بین‌المللی و ششمین همایش کشوری یادگیری الکترونیکی در علوم پزشکی*، پاییز ۱۳۹۲.
- خوش‌سلیقه، مسعود؛ کیوان، ساره، و مهدی‌زادخانی، میلاد (۱۳۹۴). دلایل سرقت علمی توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های زبان‌های خارجی. *دومین همایش رویکرد‌های میان‌رشته‌ای به آموزش زبان، ادبیات و مطالعات ترجمه*.
- رضایی شریف، علی، و ابراهیم‌خانی، محمدرضا (۱۳۹۷). روا سازی و اعتباریابی پرسش‌نامه تدریس تحول‌آفرین (TTQ) در بین دانش‌آموزان. *روان‌شناسی مدرسه*، ۷(۲)، ۵۴-۷۱.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس، و حجازی، الهه (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.

فرهمندپور، زینب؛ نیک‌مهر، هومن؛ منصوری‌زاده، محرم، و طیب‌زاده قمصری، امید (۱۳۹۱). یک سیستم نوین هوشمند تشخیص هویت نویسنده فارسی زبان بر اساس سبک نوشتاری. محاسبات نرم، ۱ (۲)، ۲۶-۳۵.

محمدحسین‌پور، رسول؛ باقری‌نویسی، رضا، و افضلی‌شهری، محمد (۱۳۹۶). بررسی دلایل ارتکاب سرقت ادبی و راه‌های پیشگیری از آن در جامعه علمی ایران: دیدگاه سردبیران، اساتید و دانشجویان. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۷ (۲)، ۵۵۵-۵۸۸.

References

- Ballantine, J., Guo, X., & Larres, P. (2015). Psychometric evaluation of the Student Authorship Questionnaire: a confirmatory factor analysis approach. *Studies in Higher Education*, 40(4), 596-609.
- Canadian Association for Graduate Studies (2008). *Report, Professional Skills Development for Graduate Students*. Retrieved August 20, 2020, from <http://www.cags.ca/documents/publications>
- Carnegie Foundation, Carnegie Project on the Education Doctorate (2010). *Working principles for the professional practice doctorate in education*. College Park, MD.
- Cheung, K. Y. F., Stupple, E. J. N., & Elander, J. (2017). Development and validation of the Student Attitudes and Beliefs about Authorship Scale: a psychometrically robust measure of authorial identity. *Studies in Higher Education*, 42(1), 97-114.
- Deora, H. (2020). Authorship for early scientific researchers: ethics and responsibility. *World Neurosurgery*, 134, 510-511.
- Gladwin, T. E. (2018). Educating students and future researchers about academic misconduct and questionable collaboration practices. *International Journal for Educational Integrity*, 14(1), 1-7.
- Hyland, F. (2018). Dealing with plagiarism when giving feedback. *ELT Journal*, 55(4), 375-381.
- Inci, O. (2015). Scientific Publication Ethics. *Turkish Librarianship*, 29 (2), 282-295.
- Jamshidi, S., Rezaei, S., Hassanzadeh, M., Dehqan, M. (2019). Development and Validation of an Authorial Identity Model and Questionnaire: A factor analytic approach. *Issues in Language Teaching*, 8(2), 243-273.

- Khezr, P., & Mohan, V. (2022). The vexing but persistent problem of authorship misconduct in research. *Research Policy*, 51(3), 104466. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2021.104466>
- Kinder, J., & Elander, J. (2012). Dyslexia, authorial identity, and approaches to learning and writing: A mixed methods study. *British Journal of Educational Psychology*, 82(2), 289-307.
- Pellegrino, J. W. and Hilton, M. L. (2012). *Education for life and work: Developing transferable knowledge and skills in the 21st century*. Washington D.C.: National Academies Press.
- Pittam, G., Elander, J., Lusher, J., Fox, P., & Payne, N. (2009). Student beliefs and attitudes about authorial identity in academic writing. *Studies in Higher Education*, 34(2), 153-170.
- Shewan, L. G., & Coats, A. J. (2010). Ethics in the authorship and publishing of scientific articles. *International Journal of Cardiology*, 144(1), 1-2.
- Sohrabi, B., Gholipour, A., & Mohammadesmaeili, N. (2011). Effects of personality and information technology on plagiarism: An Iranian perspective. *Ethics & Behavior*, 21(5), 367-379.
- Stubbings, R., & Brine, A. (2003). Reviewing electronic information literacy training packages. *Innovation in Teaching and Learning in Information and Computer Sciences*, 2(1), 1-8.
- Zamani, B. E., Azimi, A. S., & Soleimani, N. (2012). Differences in students' viewpoints about effective factors on plagiarism according to their gender and academic disciplines. *Ethics in Science & Technology*, 7(3), 1-12.